

بررسی ماهیت و ویژگی‌های عناصر برنامه درسی جامع دروس معارف اسلامی: یک مطالعه کیفی

محمد رضا یوسفزاده چوسری^۱، محمد جواد هراتی^۲، مصطفی رستمی^۳

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش، بررسی ماهیت و ویژگی‌های عناصر برنامه درسی معارف اسلامی بود. **روش:** رویکرد پژوهش، کیفی بود. پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش، کیفی پایه بود. محیط پژوهش کلیه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی دولتی کشور بود. مشارکت کنندگان، ۳۰ نفر از صاحب نظران و متخصصان مختلف، شامل مسئولان دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، معاونان آموزشی دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، مدیران گروه‌های معارف اسلامی، اعضای هیئت علمی و مدرسان مدعو دروس معارف اسلامی، همچنین ۱۰ نفر از پژوهشگران دو حوزه برنامه درسی و دروس معارف اسلامی بودند. روش نمونه گیری، ملاک محور (برخورداری از دانش نظری و تجربه عملی) بود. ابزار اندازه گیری، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری (انتخابی، محوری و باز) استفاده شد. برای تعیین اعتبار داده‌های کیفی از شاخصهای چهارگانه لینکلن و گوبا، شامل اعتبار پذیری، انتقال پذیری، قابلیت وابستگی و تأیید پذیری، استفاده شد. **یافته‌ها:** بر اساس نتایج پژوهش، ۱۰ مضمون انتخابی، شامل منطق، هدف، محتوا، مواد و منابع آموزشی، راهبرد یاددهی - یادگیری، فعالیت یادگیری، گروه بندی، فضا، زمان و ارزشیابی؛ ۲۴ مضمون سازمان دهنده، شامل چرایی برنامه، اهداف شناختی، اهداف نگرشی، اهداف روانی حرکتی، محتوای سازمان یافته، محتوای موقعیتی، مواد آموزشی تک منبعی، منابع چندگانه، راهبردهای یاددهی - یادگیری مستقیم، راهبردهای یاددهی - یادگیری غیر مستقیم، فعالیت فردی، فعالیت گروهی، فعالیت درون کلاسی، فعالیت برون کلاسی، گروه بندی موضوعی، گروه بندی بر اساس سطح توانایی، فضای فیزیکی، فضای روانی - اجتماعی، فضای ایمن، زمان بندی ثابت، زمان بندی انعطاف پذیری، ارزشیابی قبل آموزش، ارزشیابی حین آموزش و ارزشیابی پس از آموزش و تعداد ۱۲۸ مضمون پایه برای ماهیت و ویژگی‌های عناصر مطلوب برنامه درسی معارف اسلامی شناسایی و استخراج شد. **نتیجه گیری:** بر اساس ویژگی‌های استخراج شده، می توان زمینه تحول جامع برنامه درسی دروس معارف اسلامی را فراهم ساخت و میزان جذابیت و کارآمدی برنامه درسی و مهم تر از همه، میزان رضایتمندی دانشجویان را افزایش داد.

واژگان کلیدی: دروس معارف اسلامی، عناصر برنامه درسی، ماهیت و ویژگی‌ها.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

۱. دکترای تخصصی برنامه ریزی درسی، استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

(نویسنده مسئول). نامبر: ۰۸۱۳۸۳۸۱۶۰۱ / Nimrooz@basu.ac.ir

۲. دکترای معارف اسلامی، استاد گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان.

۳. دکترای معارف اسلامی، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان.

الف) مقدمه

فلسفه وجودی گنجاندن دروس معارف اسلامی در برنامه درسی دانشگاهها، کمک به آنها برای ایفای نقش ذاتی و مأموریت اساسی شان، یعنی انسان‌سازی است؛ زیرا دانشگاه به مثابه کارخانه آدم‌سازی، نقش مهمی در سلامت و فساد جامعه دارد. امام خمینی (ره) در بیانات متعدد خویش، با عبارات گوناگون این مطلب را متذکر شده‌اند؛ از جمله اینکه می‌فرمایند: «دانشگاه مبداء همه تحولات است». همچنین با به کارگیری اصطلاح «مقدّرات» و «سرنوشت»، دانشگاه را منشأ این مقدّرات و سرنوشت دانسته، آن را در رأس امور می‌خوانند: «مقدّرات این مملکت دست این دانشگاهی‌هاست»؛ «دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل (موجب) شقاوت یک ملت است»؛ «از دانشگاه (است که) باید سرنوشت یک ملت تعیین شود. دانشگاه خوب، یک ملت را سعادت‌مند می‌کند و دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می‌زند» (حسینی کریمی و ضابط‌پور، ۱۳۹۹). تربیت متخصصان ارزش محور بر اساس آموزه‌های اسلامی، می‌تواند کلید حل معمای آموزشهای نارسا و غیر مرتبط و کاهنده فاصله دنیای مدرن با جامعه اسلامی باشد که این امر مهم بر عهده اساتید دروس معارف اسلامی در دانشگاهها قرار گرفته است. از این مسئله نیز نباید غافل ماند که دروسی که مبانی نظری نظام و چارچوب ساختاری اعتقادات اسلامی را در دانشگاهها تبیین و تقریر می‌کنند، به لحاظ روش و محتوا نیازمند ارزیابی، تقویت و بازنگری‌های مستمرند. گرچه از حدود دو دهه قبل تاکنون، نظام مدیریتی کلان معارف اسلامی به دنبال راهبردی محققانه بوده، اما هنوز این مسئله به جایگاه شایسته خود دست نیافته است. (فیروزی، ۱۳۹۴)

در حوزه آموزش عالی، سه سند مهم دانشگاه اسلامی، نقشه جامع علمی کشور و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به عنوان سه سند بالادستی و راهبردی باید مد نظر متخصصان برای تدوین دروس معارف اسلامی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی باشد. در سند دانشگاه اسلامی، اصولی در دو دسته عمومی و اختصاصی برای دانشگاه مطرح شده است. از جمله اصول عمومی می‌توان به: اهتمام به علم و دانش و اعتقاد به تأثیر بنیادی و قطعی آن در اداره صحیح جامعه، تأمین رفاه و سعادت مردم، رشد و توسعه متوازن، اهمیت داشتن فکر و اندیشه، وجود آزادی برای تحقیق و نقد و بررسی آرا و نظریات گوناگون، داشتن پیوند با واقعیتهای جامعه، توجه به جنبه‌های علمی و کاربردی اندیشه‌های نظری، داشتن آگاهی از مسائل و مباحث فکری و اجتماعی در عرصه سیاسی جامعه، مشارکت در صحنه زندگی اجتماعی و ایفای نقش در آن و شناخت سنتها و مفاهیم اخلاقی، ارزشی و فرهنگی جامعه اشاره کرد. از

جمله اصول اختصاصی نیز می‌توان گفت دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن: بینش توحیدی بر تمامی شئون دانشگاه و تفکر و اندیشه دانشگاهیان حاکمیت دارد و علم‌آموزی به منزله یک عبادت، در جهت ایجاد و تقویت این نگرش ایفای نقش می‌کند؛ دانشگاهی است که در آن محیطی سرشار از معنویت و مکارم اخلاق به منظور رشد و تعالی فردی و تربیت صحیح تزکیه و تعلیم نفوس ایجاد می‌شود و حیات و شخصیت معنوی و اخلاقی افراد اعتلا می‌یابد؛ دانشگاهی است که در آن افراد در پرتو معارف اسلامی با احساس تعهد و مسئولیت نسبت به رشد و تعالی جامعه و تحقق اهداف و ارزشهای اسلامی در فعالیتهای اجتماعی مشارکت می‌جویند. (سند دانشگاه اسلامی، ۱۳۹۲)

سند نقشه جامع علمی کشور با هدف سیاستگذاری و ساماندهی نظام آموزش عالی کشور، منطبق بر نیازها و مسائل بومی کشور تدوین، تصویب و ابلاغ شده است (سهیل سرو و هزارجریبی، ۱۳۹۹). اجرای کامل نقشه جامع علمی کشور، ضمن افزایش کارآمدی آموزش عالی، موجب دستیابی به مهم‌ترین نقشهای آموزش عالی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی؛ نظیر ایجاد اقتدار ملی، تقویت مشروعیت، افزایش جذابیت انقلاب اسلامی، صعود رتبه ایران در تولید علم، افزایش اعتبار بین‌المللی ایران و ایجاد روحیه استقلال و خودکفایی کشور می‌شود. (ماهرویی و همکاران، ۱۳۹۷)

در آستانه گام نهادن انقلاب اسلامی ایران به دهه پنجم حیات خود، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور بیانیه گام دوم انقلاب، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداختند و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرمودند که سرفصلهای این توصیه‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و سبک زندگی. در بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری بر دانش به عنوان آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور تأکید داشتند و ضمن اشاره به دستاوردهای عظیم کشور در علم دانش، راه‌های طی شده را یک آغاز می‌دانند و به این امر اشاره می‌کنند که ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. دانشگاهها یکی از بخشهای مهم و با اهمیت جامعه‌اند که نقش پررنگی در جبران عقب‌ماندگی کشور در بخش علم و دانش و عمل به توصیه مقام معظم رهبری بر عهده دارند؛ به طوری که مقام معظم رهبری همواره به دانشگاهها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، به طور قاطع و جدی درباره علم و دانش و جبران عقب‌ماندگی در این حوزه، تذکر و هشدار و فراخوان داده‌اند. (باقری کراچی، ۱۴۰۰)

تجربه‌های زیستی دانشجویان در محیط‌های آموزشی، به ویژه در محیط کلاس، همواره معرف خوب و بدها و حاوی نکات مثبت و منفی است. با این وصف نمی‌توان از اهمیت این تجربه‌های زیسته در زندگی افراد غفلت کرد. این تأثیرگذاری در برخی از دروس که صبغه دینی و فرهنگی دارند، بیشتر حائز اهمیت است. دروس معارف اسلامی در زمره این دروس‌اند که برگزاری مطلوب آنها می‌تواند نقش مؤثری در ساخت و بافت فکری دانشجویان داشته باشد و بخش عمده‌ای از ایدئولوژی و فرهنگ مورد وثوق را برای آنها نهادینه سازد. از سوی دیگر، با بی‌توجهی و برگزاری نامطلوب آنها، مشکلات عدیده‌ای فراروی دانشجویان ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد توجه به ابعاد مهم این مسئله و نگاه دوباره به رسالت دروس معارف اسلامی که با نقش سازنده استاد رهین است، امر مهمی است که باید مورد توجه متولیان امر، به ویژه نظام آموزش عالی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دانشگاهها و دانشکده‌ها و گروه‌های معارف اسلامی و رشته‌های مدرسی معارف اسلامی قرار گیرد (فلاح، ۱۳۹۹). یکی از علومی که باید در نظامهای آموزشی نسبت به توسعه آن اقدام شود، علوم انسانی اسلامی است. دانشجویان زمانی به سوی تکامل سازنده حرکت می‌کنند که به شناخت کافی دست یابند. لازمه این شناخت، فراگیری علوم سازگار و هم‌سنخ با ماهیت انسان است. انسانها آنجایی دچار خسران شده‌اند که فقط خواسته‌اند با علوم مادی و تجربی به جستجو پردازند و به پرسشهایی پاسخ گویند که با ابزارهای مادی و عینی قابل پاسخگویی نیستند (شفیع پور مطلق و خدادادی، ۱۳۸۹). دروس معارف اسلامی برای کسب شناخت جامع و پاسخگویی به سؤالات غیر مادی نقش بسزایی دارند.

مفهوم برنامه درسی امروزه در دو جایگاه واقعیت آموزشی و جایگاه واقعیت دانشی مطرح است. وقتی از برنامه درسی در عرصه آموزش و یادگیری سخن به میان می‌آید، برنامه درسی را به عنوان یک واقعیت آموزشی مطرح می‌کنند. در این جایگاه هم از نگاه فرایندی و هم از نگاه دستاوردی به برنامه درسی نگاه می‌شود و دارای سابقه طولانی در تاریخ بشر است. در نگاه دیگر، برنامه درسی به عنوان یک حوزه مطالعاتی و دانشی مطرح می‌شود که نمایانگر حوزه‌ای علمی است و با وجود سابقه کوتاه توانسته است بخش زیادی از مستندات علوم رفتاری را طی قرن بیست و یکم به خود اختصاص دهد (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۹۲). در زمینه عناصر برنامه درسی، دیدگاههای مختلفی در ادبیات برنامه درسی وجود دارد؛ اما یکی از دیدگاههای مورد توافق اغلب متخصصان حوزه برنامه درسی در زمینه عناصر برنامه

درسی، دیدگاه اکرا^۱ است. اکرا (۲۰۰۴) ۱۰ عنصر را برنامه درسی بیان کرده است. این عناصر و شرح مختصر آنها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: عناصر برنامه درسی و ماهیت آنها از منظر اکرا (اکرا، ۲۰۰۴)

عناصر	پرسشهای تعیین کننده
منطق	چرا یادگیرندگان باید یاد بگیرند؟
اهداف	فراگیران برای تحقق چه اهدافی یاد می گیرند؟
محتوا	فراگیران چه چیزی می آموزند؟
فعالتهای یادگیری	فراگیران چگونه می آموزند؟
نقش مدرس	مدرس چگونه فرایند تدریس و یادگیری را جهت می دهد؟
مواد و منابع	فراگیران با کمک چه چیزی به یادگیری می پردازند؟
گروه بندی	فراگیران با چه کسانی به یادگیری می پردازند؟
مکان	فراگیران کجا و در چه فضا و مکانی به یادگیری می پردازند؟
زمان	فراگیران کی و چه وقت یاد می گیرند؟
ارزشیابی	فراگیران تا چه میزان به اهداف یادگیری دست یافته اند و پیشرفت داشته اند؟

۱. پیشینه پژوهش

عباسی (۱۳۹۹) در پژوهش «روش تدریس هدایت محور؛ پیوست اخلاقی روزآمد برای کارآمدسازی دروس معارف اسلامی در دانشگاهها»، نتیجه گرفت که یکی از مهم ترین اهداف آموزشی در تدریس معارف اسلامی، ارتقای سطح معرفتی و ایمانی دانشجویان به واسطه ارائه محتوای آموزشی مناسب است. روش تدریس هدایت محور به عنوان زیرمجموعه روش تدریس فعال، از مؤثرترین روشهای تدریسی است که به عنوان مکمل روش تدریس سخنرانی می تواند در تغییر نگرش و تحقق اهداف شناختی و عاطفی دانشجویان در حوزه معارف اسلامی کارساز باشد. قربانی و ابوالحسنی نیارکی (۱۳۹۹) در پژوهش «الگوی مقایسه ای: راهکاری کارآمد برای تدریس دروس معارف اسلامی دانشگاهها در ساحت تبیین و دفاع از آموزه های اسلامی»، دریافتند که الگوی مقایسه ای در قیاس با الگوی توصیفی از میزان موفقیت بیشتری برخوردار است. فلاح (۱۳۹۹) در پژوهش «ابعاد تحول آفرینی در دروس معارف اسلامی دانشگاهها» نشان داد که مهم ترین ابعاد تحول در دروس معارف اسلامی، مربوط به اهداف، محتوا، روش تدریس و فضای آموزشی است و

ارتقای اساتید و روزآمدی آنان در روشهای تدریس، یک سو و ایجاد حس شوق و انگیزه فراگیری به واسطه تربیت استادان دانشمند و عامل، سوی دیگر این تحول است. محبی (۱۳۹۸) در «بررسی عوامل مؤثر بر برنامه درسی نهادینه شده درس اندیشه اسلامی دوره کارشناسی» نشان داد که تأثیر عوامل آموزشی، اجتماعی و فردی بر برنامه درسی نهادینه شده اندیشه اسلامی معنادار بوده است و عوامل جغرافیایی رابطه معناداری را نشان نداده اند. بر این اساس، می توان گفت که عوامل آموزشی ۲۹ درصد، عوامل اجتماعی ۵۵ درصد و عوامل فردی ۲۳ درصد از تغییرات متغیر برنامه درسی دریافت شده درس اندیشه اسلامی دانشجویان دوره کارشناسی را تبیین و پیش بینی می کنند. کهریزی و همکاران (۱۳۹۷) در «بررسی میزان تأثیر گذاری و رضایتمندی تغییر روش تدریس استاد محور به رویکرد نیاز محور در گروه معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه»، به این نتیجه رسیدند که میزان رضایتمندی و تأثیر گذاری در روش نیاز محور نسبت به استاد محور به طور معناداری بیشتر بود. نتایج نشان داد دانشجویانی که با رویکرد نیاز محور درس را فرا گرفته اند، میانگین نمره بالاتری دارند و اختلاف معنادار است. لذا با توجه به ایجاد نگرش مثبت در دانشجویان و افزایش روحیه تفکر نقادانه در آنان، بر لزوم توجه به این روش و به کارگیری آن در فرایند آموزشی تأکید می شود. نجفی و همکاران (۱۳۹۶) در «شناسایی مدل‌های تربیتی دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده برای کاربرد در طراحی برنامه درسی قصد شده معارف اسلامی» به این نتیجه رسیدند که در دعای بیست و پنجم صحیفه سجاده، به گونه‌ای ظریف و دقیق، برخی از مدل‌های تربیتی را می توان استنتاج و استخراج کرد که عبارتند از: استعانت از خداوند، بهره‌گیری از تقوا، محور قرار دادن محبت راستین، اطاعت پذیری، شناخت دشمن (شیطان)، بصیرت و واگذاری مسئولیت به متریان. خوشی و رنجبران (۱۳۹۶) در «سنجش میزان اثربخشی کارگاه آموزشی نیاز محور در ارتقای دانش و مهارت اساتید دروس معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی شهر تهران» دریافتند که دوره آموزش کارگاهی برنامه ریزی درسی نیاز محور، از نظر افزایش دانش و آگاهی اساتید، اثربخش بوده و تفاوت معناداری بین میانگین پیش آزمون و پس آزمون نمونه‌ها وجود داشته است. خوشی و همکاران (۱۳۹۲) در «طراحی و تبیین اهداف مطلوب انقلاب اسلامی (برنامه درسی دروس معارف اسلامی دانشگاهها)» به این نتیجه رسیدند که یکی از خلأهای مهم در برنامه درسی دروس معارف اسلامی دانشگاهها، با سابقه نزدیک به سه دهه فعالیت گروه‌های معارف اسلامی به عنوان اولین گام پژوهش، طراحی و تبیین اهداف مطلوب این دروس است که

علاوه بر تأیید اسناد بالادستی در این زمینه، مورد توافق صاحب‌نظران و دانشجویان با توجه به نیازهای روز جامعه باشد. الفت (۲۰۲۰) در پژوهشی تجربی با عنوان «چالش‌ها و انگیزه‌های تربیت دینی اسلامی»، به این نتیجه رسید که تحقیقات تجربی می‌تواند انگیزه‌های جدیدی به آموزش دینی اسلامی باشد که این انگیزه‌ها می‌تواند منجر به آشتی میراث دینی اسلامی با واقعیتهای در حال تغییر شود. نتایج وی همچنین نشان داد تعلیم و تربیت دینی اسلامی به عنوان یک رشته علمی جوان، لزوماً نیازمند تحقیقات تجربی است تا پایه‌های مناسبی برای کیفیت تعلیمات دینی اسلامی و برای درک بهتر فرایندهای تربیتی دینی فراهم کند.

دروس معارف اسلامی، دروسی‌اند که در پنج گروه با عناوین مبانی نظری اسلام، اخلاق اسلامی، انقلاب اسلامی، تاریخ و تمدن اسلامی و آشنایی با مبانی اسلامی، در قالب ۱۷ عنوان درس دو واحدی (۳۴ واحد) برای دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور طراحی شده‌اند و دانشجویان با رعایت ضوابط و مقررات خاص، به صورت الزامی باید ۱۲ واحد از این دروس و دو واحد درس دانش خانواده و تنظیم جمعیت، جمعاً ۱۴ واحد را انتخاب و نمره قبولی اخذ کنند (معاونت آموزشی دانشگاه تهران، ۱۴۰۰). بررسی‌ها و مطالعات انجام‌شده پیرامون عناصر برنامه درسی دروس معارف اسلامی، معرف برخی کاستی‌ها و مشکلات فراروی این دروس است؛ برای مثال، یوسفی لویه (۱۳۷۹) در تبیین مشکلات این دروس دریافت که ۴۵ درصد مشکلات مربوط به اساتید دروس معارف اسلامی، ۲۸/۵ درصد مربوط به محتوای دروس، ۵۴ درصد مربوط به ضعف علمی و ۴۰ درصد مربوط به نوع درس است. مجیدی و فاتحی (۱۳۸۵) نشان دادند که حدود ۸۰ درصد دانشجویان با اصل دروس معارف اسلامی موافق‌اند، اما روش تدریس و محتوای دروس را ضعیف می‌دانند و نسبت به آن نگرش منفی دارند. امینی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند یکی از موانع درونی اثرگذاری دروس معارف اسلامی، جایگاه آن در برنامه‌های درسی و آموزشی دانشگاه است. این دروس را «دروس عمومی» می‌خوانند. این تعبیر با آنکه در حقیقت بیانگر جایگاه قوی این دروس است، از معنای اصلی خود دور شده و به معنای «تخصصی نبودن» دروس معارف به کار می‌رود؛ در حالی که مراد مراجع قانون‌گذار از دروس عمومی، آن دسته از دروسی است که به حسب دامنه مخاطبان، فراگیر بوده و اختصاص به رشته یا مقطع خاصی ندارند. به بیان دیگر؛ عمومی بودن دروس معارف، نشان‌دهنده تخصصی نبودن آنها نیست. خوشی (۱۳۹۲) در «اعتبارسنجی اهداف مطلوب انقلاب اسلامی در برنامه درسی دروس معارف اسلامی»، نشان داد که باید تغییرات برنامه درسی

معارف اسلامی بر مبنای نیازهای دانشجویان در دوره‌های پنج‌ساله انجام پذیرد. امیدی و همکاران (۱۳۹۵) نیز نشان دادند وضعیت محتوای درسی در حد متوسط و روشهای تدریس و ارزشیابی پایین تراز حد متوسط بود.

بررسی پیشینه‌ها و مشکلات بیان شده نشان می‌دهد که اغلب پژوهشها معطوف به بررسی وضعیت موجود عناصر برنامه درسی بوده و کمتر به بررسی وضعیت مطلوب پرداخته‌اند. بیشتر پژوهشها با رویکرد کمی انجام شده و نگاه جامع به همه عناصر برنامه درسی (۱۰ عنصر) نداشته‌اند. بنابر این، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی به بررسی وضعیت مطلوب همه عناصر برنامه درسی معارف اسلامی پرداخته است.

به طور کلی مهم‌ترین دلایل اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش، ترغیب نگاه تخصصی به دروس معارف اسلامی، توجه متوازن به ابعاد سه‌گانه طراحی، اجرا و ارزشیابی دروس معارف اسلامی، به روزسازی و همگام ساختن محتوای برنامه‌های دروس معارف اسلامی بر اساس ویژگی‌های استخراج شده، افزایش میزان جذابیت، کارایی و اثربخشی دروس معارف اسلامی، افزایش میزان رضایتمندی دانشجویان نسبت به دروس معارف اسلامی، ارائه سازوکاری مناسب برای استفاده از روشهای نوین تدریس از جمله تدریس سناریومحور، ارائه سازوکاری برای ارائه موضوعات و مباحث کاربردی و حذف عناوین تکراری و غیر کاربردی و پیشنهاد نظام ارزشیابی مناسب برای دروس معارف اسلامی بوده است.

از ویژگی‌های یک برنامه درسی مطلوب، توجه به همه عناصر برنامه درسی، عدم ابهام و وجود توازن و انعطاف در بین عناصر برنامه درسی و تناسب آنها با ویژگی‌های مخاطب است (ملکی، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد عناصر ده‌گانه اگر برای بررسی برنامه درسی معارف اسلامی مناسب باشد؛ زیرا سعی می‌کند نگاهی کلی و همه‌جانبه به تمامی عوامل تأثیرگذار در یادگیری داشته باشد. نکته مهم در این الگو این است که اگر یکی از عناصر برنامه درسی کیفیت لازم را نداشته باشد، سایر عناصر و کل برنامه درسی و فرایند یادگیری دچار خدشه خواهد شد و انتظارات مد نظر برآورده نخواهد شد. بر این اساس، در این پژوهش دیدگاه اگر مبنای مطالعه قرار گرفته است.

۲. سؤالات پژوهش

سؤال اصلی: ماهیت و ویژگی‌های مطلوب عناصر برنامه درسی جامع دروس معارف اسلامی باید چگونه باشد؟

سؤالات ویژه:

۱. ویژگی های مطلوب عنصر منطق برنامه درسی دروس معارف اسلامی باید چگونه باشد؟
۲. ویژگی های مطلوب عنصر هدف برنامه درسی دروس معارف اسلامی باید چگونه باشد؟
۳. ویژگی های مطلوب عنصر محتوای برنامه درسی دروس معارف اسلامی باید چگونه باشد؟
۴. ویژگی های مطلوب عنصر مواد و منابع آموزشی دروس معارف اسلامی باید چگونه باشد؟
۵. ویژگی های مطلوب عنصر راهبردهای یاددهی- یادگیری دروس معارف اسلامی باید چگونه باشد؟
۶. ویژگی های مطلوب عنصر فعالیتهای یادگیری دروس معارف اسلامی باید چگونه باشد؟
۷. ویژگی های مطلوب عنصر گروه بندی برنامه درسی دروس معارف اسلامی باید چگونه باشد؟
۸. ویژگی های مطلوب عنصر مکان برنامه درسی دروس معارف اسلامی باید چگونه باشد؟
۹. ویژگی های مطلوب عنصر زمان برنامه درسی دروس معارف اسلامی باید چگونه باشد؟
۱۰. ویژگی های مطلوب عنصر ارزشیابی برنامه درسی دروس معارف اسلامی باید چگونه باشد؟

ب) روش شناسی

رویکرد پژوهش حاضر، کیفی است. همچنین از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش، کیفی پایه است. در تحقیقات کیفی مواردی وجود دارد که به طور مستقل نه پدیدارشناسی، نه نظریه زمینه ای، نه تحلیل روایت، نه انتقادی و نه مردم نگاری است. من این نوع روش را کیفی پایه یا اساسی می نامم که واجد همه ویژگی های کیفی از جمله تفسیری بودن است (مریام، ۱۳۹۴). محیط پژوهش، کلیه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی دولتی کشور است. مشارکت کنندگان، ۳۰ نفر از صاحب نظران و متخصصان مختلف، شامل مسئولان دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، معاونان آموزشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، مدیران گروه های معارف اسلامی، اعضای هیئت علمی و مدرسان مدعو دروس معارف اسلامی و همچنین ۱۰ نفر از پژوهشگران مشترک دو حوزه (پنج نفر حوزه برنامه درسی و پنج نفر حوزه دروس معارف اسلامی) بودند. روش نمونه گیری نیز ملاک محور (برخورداری از دانش نظری و تجربه عملی) است. مشخصات مصاحبه شوندگان در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد	درس مورد تدریس	مدرک	پست سازمانی	سابقه	محل خدمت
۱	تفسیر موضوعی نهج البلاغه	دکتری	رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری	۸	عدم درج نام به دلیل محرمانگی
۲	انسان در اسلام	دکتری	مدرّس دروس معارف اسلامی	۱۱	دانشگاه لرستان
۳	اندیشه اسلامی ۲	دکتری	"	۱۲	علامه طباطبائی
۴	حقوق اجتماعی و سیاسی اسلام	سطح ۴	"	۱۵	دانشگاه قم
۵	فلسفه اخلاق	دکتری	"	۷	دانشگاه گیلان
۶	انقلاب اسلامی ایران	دکتری	"	۱۳	دانشگاه گیلان
۷	تفسیر موضوعی قرآن	دکتری	"	۹	دانشگاه گیلان
۸	تاریخ تحلیلی صدر اسلام	دکتری	"	۱۲	دانشگاه بوعلی سینا
۹	اخلاق اسلامی	دکتری	"	۱۶	دانشگاه بوعلی سینا
۱۰	تفسیر موضوعی نهج البلاغه	سطح ۴	"	۶	دانشگاه یزد
۱۱	تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران	دکتری	"	۱۴	دانشگاه یزد
۱۲	اخلاق اسلامی	فوق لیسانس	"	۱۲	دانشگاه کردستان
۱۳	فلسفه اخلاق	دکتری	"	۱۶	دانشگاه بوعلی سینا
۱۴	انقلاب اسلامی ایران	دکتری	"	۱۱	دانشگاه اهواز
۱۵	تاریخ تحلیلی صدر اسلام	دکتری	"	۲۳	دانشگاه اهواز
۱۶	اندیشه سیاسی ۲	دکتری	"	۱۸	دانشگاه کردستان
۱۷	فلسفه اخلاق	دکتری	"	۷	دانشگاه گیلان
۱۸	اندیشه سیاسی ۱	سطح ۴	"	۱۲	لرستان
۱۹	انقلاب اسلامی ایران	دکتری	"	۱۹	دانشگاه فردوسی مشهد

دانشگاه فردوسی مشهد	۱۴	"	دکتری	تفسیر موضوعی قرآن	۲۰
علامه طباطبائی	۱۳	"	دکتری	تاریخ تحلیلی صدر اسلام	۲۱
عدم درج نام به دلیل محرمانگی	۱۲	"	دکتری	تاریخ تحلیلی صدر اسلام	۲۲
عدم درج نام به دلیل محرمانگی	۱۳	مدیر گروه معارف اسلامی	دکتری	اندیشه سیاسی ۲	۲۳
عدم درج نام به دلیل محرمانگی	۷	معاون نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه	دکتری	تفسیر موضوعی نهج البلاغه	۲۴
عدم درج نام به دلیل محرمانگی	۱۳	رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه	فوق لیسانس	فلسفه اخلاق	۲۵
عدم درج نام به دلیل محرمانگی	۷	معاون نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه	دکتری	فلسفه اخلاق	۲۶
عدم درج نام به دلیل محرمانگی	۱۱	مدیر گروه معارف اسلامی	دکتری	اندیشه سیاسی ۲	۲۷
عدم درج نام به دلیل محرمانگی	۱۰	مدیر گروه معارف اسلامی	دکتری	حقوق اجتماعی و سیاسی اسلام	۲۸
عدم درج نام به دلیل محرمانگی	۱۵	مدیر گروه معارف اسلامی	سطح ۴	انقلاب اسلامی ایران	۲۹
عدم درج نام به دلیل محرمانگی	۱۱	مدیر گروه معارف اسلامی	دکتری	تفسیر موضوعی قرآن	۳۰

ابزار اندازه گیری، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. کرسول (۲۰۱۴) مجموعه‌ای از اقدامات شامل انتخاب مصاحبه‌شوندگان بر اساس رویه نمونه گیری نظری، تعیین مناسب‌ترین روش مصاحبه، تدوین و استفاده از فرم تشریفات مصاحبه، بازنگری و تصحیح سؤالات مصاحبه، تعیین زمان و مکان مصاحبه، دریافت موافقت مشارکت‌کنندگان و ضبط مصاحبه برای آوانویسی را برای انجام مصاحبه کیفی بیان می‌کند که در پژوهش حاضر نیز بر اساس آن اقدام شد. مهم‌ترین سؤالات مصاحبه عبارت بودند از: به نظر شما یک نظام جامع برای درس معارف اسلامی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ در حال حاضر این درس کدام یک از

ویژگی‌هایی را که بیان فرمودید، دارند؟ ویژگی‌هایی که اشاره کردید، چگونه می‌توانند اجرایی شوند؟ دروس معارف اسلامی چه اهدافی را باید دنبال کنند؟ در حال حاضر این دروس به چه میزان این اهداف را محقق می‌نمایند؟ چه ابعدی از رشد به نظر شما مغفول مانده‌اند؟ چگونه می‌توان همه ابعاد را در این دروس پوشش داد؟ روش اجرای دروس معارف در دانشگاهها تا چه میزان برآورده‌کننده اهدافی است که برای این دروس در نظر گرفته شده است؟ چه تغییراتی باید در روش اجرای این دروس اعمال شود تا در دستیابی به اهداف موفق‌تر باشند؟

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای مقوله‌ای و کدگذاری (انتخابی، محوری و باز) استفاده شد و برای تعیین اعتبار داده‌های کیفی، از شاخصهای چهارگانه لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) شامل اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت وابستگی و تأییدپذیری، استفاده شد.

برای انجام این پژوهش ابتدا دیدگاههای مختلف پیرامون تعداد عناصر برنامه درسی بررسی شد و از بین دیدگاههای موجود، دیدگاه اکر (۲۰۰۴) به دلیل شمول و جامعیت از لحاظ کمیّت و کیفیت عناصر برنامه درسی، مبنای پژوهش قرار گرفت. سپس بر اساس مبانی نظری، پیشینه و مصاحبه با متخصصان، شامل رؤسا و معاونان دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، مدیران گروه‌های معارف اسلامی و مدرّسان دروس معارف اسلامی (به شرح جدول ۲)، ویژگی‌ها و ماهیت مطلوب عناصر ده‌گانه با استفاده از روش کدگذاری، شناسایی و استخراج شد. سپس ماهیت و ویژگی‌های استخراج شده در اختیار ۱۰ نفر از متخصصان دو حوزه معارف اسلامی و برنامه‌ریزی درسی (از هر حوزه پنج نفر) قرار گرفت و اعتبار ویژگی‌های استخراج شده با استفاده از ضریب لاوشه^۱ بررسی و تأیید شد.

ج) یافته‌ها

۱. چگونگی ماهیت و ویژگی‌های مطلوب عناصر برنامه درسی جامع دروس معارف اسلامی برای پاسخ به این سؤال با صاحب‌نظران و متخصصان مختلف، شامل مسئولان دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، معاونان آموزشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، مدیران گروه‌های معارف اسلامی، اعضای هیئت علمی و مدرّسان مدعو دروس معارف اسلامی، مصاحبه نیمه ساختارمند تلفنی و حضوری صورت گرفت. بر

^۱. CVR

اساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها، مبانی نظری، پیشینه و بررسی و واکاوی اسناد بالادستی، ماهیت و ویژگی‌های مطلوب عناصر برنامه‌دستی جامع دروس معارف اسلامی استخراج شد. این ویژگی‌ها در جدول ۳ ارائه شده است. قبل از ارائه نتایج، چند نمونه از مصاحبه‌های انجام‌شده ذکر می‌شود.

کد ۱، مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری یکی از دانشگاه‌های کشور: ایشان درباره وضعیت کلی برنامه‌دستی دروس معارف اسلامی اظهار می‌کند که در همه زمینه‌ها نیازمند اصلاح و بازطراحی هستیم. به صورت طبیعی و واقعی نمی‌توان این دروس را از یکدیگر به شکلی جدا کرد که جزایر جداگانه‌ای به حساب آیند؛ بلکه صحیح این است که نظام‌واره‌ای طراحی شود که هر یک از دروس معارف اسلامی، بخشی از این نظام را بر عهده گرفته، هدف مشترکی را دنبال کرده و پیکره‌ای را تکمیل کنند. تداخل و تلاقی این دروس به خوبی باید مشخص شود. اهداف، وظایف و مرز هر درس معین می‌شود. باید در زمینه دروس معارف اسلامی تدابیری اندیشیده شود تا اشکالات پیشین دروس معارف اسلامی در زمینه «استاد، محتوا و روش» را رفع کند. طرح جامعی برای «گزینش، پذیرش، تداوم آموزش، ارزیابی و ارتقای اساتید معارف اسلامی» داشته باشد. طرح جامعی برای سنجش نیازهای فکری، فرهنگی، اجتماعی دانشجویان داشته باشد. در راستای پاسخگویی به نیازهای دانشجویان و با بهره‌گیری از منابع اصیل اسلامی، بتواند محتواهایی متناسب با نیازها تولید کند. از قدرت به‌روزرسانی محتواهای درسی، متناسب با نیازهای دانشجویان برخوردار باشد. روشهای نوین تدریسی را متناسب با دروس معارف اسلامی ارائه دهد (روشهای درسی نوین را برای دروس معارف اسلامی بومی‌سازی کند). بخشی از این دروسها به مشاهدات میدانی، دیدار با علمای دین، بازدید از مراکز مذهبی اختصاص داده شود و دیدار با اساتید رشته‌های فیزیک، کشاورزی و ... برای تبیین مباحث توحیدی و ساختار نظام‌مند آفرینش مفید خواهد بود. به زعم ایشان اگر این کارها صورت گیرد، این دروس می‌توانند منجر به تعمیق فهم دانشجویان از دین، اصلاح نگرش دانشجویان به دین، رفتارسازی در دانشجویان، الگوسازی از بزرگان دینی و ملی و عرضه معارف اصیل اسلامی به بیان و روشی نو شوند.

کد ۳، مدرس درس اندیشه سیاسی دو از دانشگاه علاه طباطبائی: اغلب مدرسان این دروس با شیوه‌های نوین تدریس و ارزشیابی آشنایی ندارند و بیشتر کلاسها بر اساس سلیقه و دانش موجود مدرسان اداره می‌شود.

۳۹۶ ♦ نقش فعالیتهای ورزشی دانشگاهی بر تغییر معنای زندگی...

کد ۶، عضو هیئت علمی و مدرس درس انقلاب اسلامی دانشگاه گیلان: محتوای دروس معارف اسلامی نیاز به بازنگری و بازآرایی اساسی دارد. محتوای دروس پاسخگوی نیازهای اساسی دانشجویان و جامعه نیستند. مدرسان این دروس دانش چندجانبه ندارند. برخی از مدرسان قادر به ایفای نقش الگویی برای دانشجویان نیستند.

کد ۷، عضو هیئت علمی و مدرس تفسیر موضوعی از دانشگاه گیلان: در برنامه‌ریزی‌ها و اجرا به دروس معارف توجه جدی نمی‌شود. ساعات برگزاری این کلاسها معمولاً مناسب نیست. تعداد دانشجویان در کلاسها بسیار زیاد است. حجم بالای دانشجو اجازه استفاده از روشهای فعال تدریس را به مدرسان نمی‌دهد؛ اگرچه برخی مدرسان خود نیز با این روشها آشنایی ندارند. آموزش این دروس باید مبتنی بر روش تدریس استدلالی و محاکمه قضائی باشد.

کد ۸، هیئت علمی و مدرس درس تاریخ تحلیلی صدر اسلام از دانشگاه گیلان: بهتر است از تعدد دروس معارف کاسته شود و به جای آن با کاهش تعداد دروس، زمان تدریس این دروس اضافه شود تا امکان بحث و بررسی و گفتمان‌سازی در کلاسهای درس را فراهم سازد.

کد ۱۰، مدرس تفسیر موضوعی نهج البلاغه از دانشگاه یزد: اغلب مدرسان این دروس همکاران آموزش و پرورش‌اند و اغلب در کلاسهای درس قادر به پاسخگویی به سؤالات دانشجویان نیستند و سعی می‌کنند با دانشجویان مثل دانش‌آموزان برخورد کنند. باید اساتید معارف اسلامی از لحاظ مهارت تدریس و کلاس‌داری رتبه‌بندی شوند و بر اساس ماهیت دانشکده‌ها و دانشجویان از مدرسان مختلف استفاده شود.

کد ۱۲، مدرس اخلاق اسلامی دانشگاه کردستان: بین اهداف دروس معارف اسلامی و آنچه در کلاسهای درس اتفاق می‌افتد، فاصله شگفتی وجود دارد و بازنگری در محتوا، روشهای آموزش، مواد و منابع آموزشی و شیوه ارزشیابی دروس، ضرورتی انکارناپذیر است. کد ۲۲، مدیر گروه معارف اسلامی یکی از دانشگاههای کشور: نظام جذب، گزینش و نگهداری مدرسان معارف اسلامی نیاز به بازنگری جدی دارد. خیلی از مدرسان توانایی استفاده از نرم‌افزارها و وسایل کمک آموزشی پیشرفته را ندارند. قادر به استفاده از منابع چندگانه نیستند. با اصول سنجش و اندازه‌گیری آشنایی ندارند. از کلاسهای درس مدرسان بازدید میدانی و عملی صورت نمی‌گیرد. برخی مدرسان توان پاسخگویی به مسائل روز را ندارند. با اصول مشارکت دانشجویان در فرایند تدریس آشنایی ندارند.

کد ۲۳، مدیر گروه معارف اسلامی یکی از دانشگاه‌های کشور: با توجه به بروز عرفانهای نوظهور و فضای مجازی، بیش از پیش نیازمند محتوای به‌روز، مدرسانی متخصص، خلاق و نوآور هستیم. مسائل امروز دینی و مذهبی دانشجویان و جامعه از جنس مسائل سنتی و گذشته نیستند. باید محتواهای عینی و معتبر طراحی و تولید شوند و مدرسان دروس معارف اسلامی علاوه بر برخورداری از دانش تخصصی، از دانش عمومی و تربیتی نیز برخوردار باشند.

کد ۲۶، معاون نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری یکی از دانشگاه‌های کشور: ضوابط پذیرش و واگذاری دروس به مدرسان دروس معارف اسلامی باید از حساسیت و دقت بالایی برخوردار باشد. باید علاوه بر بررسی‌های عمومی، مصاحبه‌های تخصصی توسط تیم تخصصی صورت گیرد و از تدریس غیر تخصصی در این دروس اجتناب شود.

کد ۲۸، مدیر گروه یکی از دانشگاه‌های کشور: همپوشانی بین محتوای دروس ارائه شده در دانشگاه و دبیرستان و عدم به‌روزرسانی واحدهای درسی عمومی و ارزشیابی‌های ضعیف، از جذابیت برنامه درسی عمومی برای دانشجویان مهندسی در دوره کارشناسی کاسته است.

جدول ۳: ماهیت و ویژگی‌های عناصر برنامه درسی جامع دروس معارف اسلامی

کدهای باز اولیه	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
شکوفایی فطرت، کمال‌خواهی، خیرخواهی، زیبایی‌شناسی، عبودیت، حیات طیبه.	چرایی برنامه	منطق
فهم عمیق ارزشهای دینی، تحکیم مبانی اعتقادی، ایده‌پردازی، اندیشه‌ورزی، بصیرت‌افزایی، مطالبه‌گری، پرسشگری، خردورزی، اهتمام به تأویل و تأمل، فراگیری سواد سیاسی، فراگیری سواد فرهنگی، فراگیری مهارت‌های زندگی اجتماعی، دشمن‌شناسی، شناخت دقیق آرمانهای انقلاب اسلامی	شناختی (دانش)	
خداآباوری، علاقه‌مندی نسبت به فراگیری آموزه‌های دینی، نگرش مثبت نسبت به زندگی، باور قلبی به داشته‌ها و توانایی‌های ملی، متعهد نسبت به کسب فضائل اخلاقی، اجتناب از رذایل اخلاقی، امیدواری نسبت به آینده	نگرشی (بینش)	اهداف
امانتداری، صداقت، شجاعت‌ورزی، ایثار و فداکاری، برخورداری از نشاط معنوی، انجام کارهای تیمی، انجام کارهای گروهی، شرکت در مناسبات مذهبی، دفاع عملی از آرمانهای انقلاب، انجام واجبات، ترک محرمات، تکریم مفاخر ملی	اهداف روانی- حرکتی (توانش)	

۳۹۸ ♦ نقش فعالیتهای ورزشی دانشگاهی بر تغییر معنای زندگی...

متناسب با منطق برنامه، متناسب با اهداف برنامه، آموزش سبک زندگی اسلامی، پرورش هویت دینی و مذهبی، احترام به تضاد علایق، ترغیب پرسشگری، محتوای مسئله‌محور، محتوای سؤال‌محور، برخورداری از نظم منطقی، برخورداری از نظم روان‌شناختی، برخورداری از مداومت و پیوستگی، برخورداری از اعتبار، سودمندی، آموزش انواع سوادها به ویژه سواد سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، معنوی، مرتبط با مسائل واقعی زندگی، فعالیت‌محور، ترغیب آموخته‌های خارج از مدرسه	محتوای سازمان‌یافته	محتوا
پروژه‌های فردی، پروژه‌های گروهی، فعالیتهای خارج از کلاس و مدرسه، فعالیتهای فوق برنامه	محتوای موقعیتی	
منبع تعیین شده در سرفصل، منبع انتخاب شده توسط سازمان اعتباربخشی	تک‌منبع	مواد و منابع آموزشی
آموزش مبتنی بر چند رسانه‌ای، آموزش چند حسی	منابع چندگانه	
روش کلامی، روش پیش سازمان‌دهنده	مستقیم	راهبردهای یاددهی و یادگیری
روش پروژه فردی، روش پروژه گروهی، روش آزمایشگاه حل تضاد، روش محاکمه قضائی، روش حل مسئله، روش کسب مفهوم، روش الگویی، روش ایفای نقش	غیر مستقیم	
گفتمانهای موضوعی، نقد دیدگاه، مقایسه دیدگاه	درون کلاسی	فعالیتهای یادگیری
تعریف فعالیتهای مبتنی بر مصاحبه با مفاخر و الگوهای دینی و مذهبی، بازدید از مراکز پژوهشی دینی، شرکت در مناسبتهای ملی و مذهبی	برون کلاسی	
بررسی سبک زندگی امامان و معصومین (ع)	فردی	
تعریف مناظره‌های دسته جمعی، پژوهشهای تیمی	گروهی	
توجه به علایق، توجه به انتظارات استاندارد، توجه به نیازهای سن و رشد، توجه به توانایی‌ها، توجه به گروه‌بندی نامتجانس	بر اساس سطح یادگیری	گروه‌بندی
موضوعات مبتنی بر مرکز رغبت، موضوعات مبتنی بر ایستگاههای یادگیری، موضوعات روز دانشگاه، چالشهای روز جامعه	بر اساس موضوع	
برخورداری از معماری مناسب، برخورداری از نور مناسب، مجهز بودن به وسایل سرمایش و گرمایش، مکان متکثر و متنوع، برخورداری از رنگ مناسب، برخورداری از صندلی مناسب، تسهیل اجرای شیوه‌های فعال یاددهی- یادگیری، بری از هرگونه سر و صدا	فضای فیزیکی	فضا
برخورداری از جو عاطفی مثبت، امید آفرین، نشاط آفرین، ترغیب کار جمعی و گروهی، رقابت سالم و سازنده	فضای روانی- اجتماعی	

فضای ایمن	تجهیز وسایل اعلام و اطفای حریق، سیم کشی ایمن، کفپوش ایمن، تمهیدات لازم در راه‌های ورودی و خروجی، نصب علائم هشداردهنده
زمان	زمان بندی ثابت
	زمان بندی انعطاف پذیر
ارزشیابی	قبل از آموزش
	حین آموزش
	پس از آموزش

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول ۳، برای ماهیت و ویژگی‌های عناصر برنامه درسی دروس معارف اسلامی، ۱۰ مضمون انتخابی، شامل منطق، هدف، محتوا، مواد و منابع آموزشی، راهبردهای یاددهی- یادگیری، فعالیتهای یادگیری، گروه‌بندی، فضا، زمان و ارزشیابی؛ ۲۴ مضمون سازمان‌دهنده، شامل چرایی و توجیه برنامه، اهداف شناختی، اهداف نگرشی، اهداف روانی حرکتی، محتوای سازمان‌یافته، محتوای موقعیتی، مواد آموزشی تک‌منبعی، منابع چندگانه، راهبردهای یاددهی- یادگیری مستقیم، راهبردهای یاددهی- یادگیری غیر مستقیم، فعالیت فردی، فعالیت گروهی، فعالیت درون‌کلاسی، فعالیت برون‌کلاسی، گروه‌بندی موضوعی، گروه‌بندی بر اساس سطح توانایی، فضای فیزیکی، فضای روانی- اجتماعی، فضای ایمن، زمان‌بندی ثابت، زمان‌بندی انعطاف‌پذیری، ارزشیابی قبل آموزش، ارزشیابی حین آموزش و ارزشیابی پس از آموزش و تعداد ۱۲۸ مضمون پایه شناسایی و استخراج شد.

۲. میزان برخورداری ماهیت و ویژگی‌های مطلوب عناصر جامع برنامه درسی دروس معارف اسلامی از دیدگاه متخصصان از اعتبار لازم

جدول ۴: میزان اعتبار عناصر جامع برنامه درسی دروس معارف اسلامی

مقدار CVR	تعداد نمونه	متغیر
۰/۷۱	۱۰	منطق برنامه درسی
۰/۷۶	۱۰	هدف برنامه درسی
۰/۷۴	۱۰	محتوای برنامه درسی
۰/۷۳	۱۰	مواد و منابع آموزشی

۰/۶۷	۱۰	راهبردهای یادگیری - یادگیری
۰/۷۴	۱۰	فعالتهای یادگیری
۰/۶۹	۱۰	گروه‌بندی
۰/۷۸	۱۰	فضا
۰/۶۶	۱۰	زمان
۰/۷۷	۱۰	ارشیابی
۰/۷۲	۱۰	کل عناصر

برای تعیین اعتبار ماهیت و ویژگی‌های عناصر جامع برنامه درسی دروس معارف اسلامی، از روش CVR استفاده شد. بر این اساس، الگوی استخراج‌شده در اختیار ۱۰ نفر از متخصصان قرار گرفت. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۴، میزان روایی عناصر به تفکیک منطق برنامه درسی ۰/۷۱، هدف برنامه درسی معارف اسلامی ۰/۷۶، محتوای برنامه درسی معارف اسلامی ۰/۷۴، مواد و منابع آموزشی معارف اسلامی ۰/۷۳، راهبردهای یادگیری - یادگیری ۰/۶۷، فعالتهای یادگیری ۰/۷۴، گروه‌بندی ۰/۶۹، فضا ۰/۷۸، زمان ۰/۶۶، ارزشیابی ۰/۷۷ و کل الگو ۰/۷۲ است. بر اساس این روش برای ۱۰ نفر متخصص، حداقل روایی مورد نیاز ۰/۶۲ است. با توجه به اینکه میزان روایی تک‌تک عناصر و کل عناصر برنامه درسی جامع از ۰/۶۲ بیشتر است؛ لذا می‌توان گفت ماهیتها و ویژگی‌های استخراج‌شده از اعتبار لازم برخوردارند.

(د) بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، مطالعه کیفی ماهیت و ویژگی‌های عناصر برنامه درسی معارف اسلامی با روش کیفی پایه بود. نتایج این پژوهش در زمینه ماهیت و ویژگی‌های عناصر برنامه درسی معارف اسلامی با پژوهشهای ذیل همخوانی دارد: عباسی (۱۳۹۹) به این نتیجه رسید که یکی از مهم‌ترین اهداف آموزشی در تدریس معارف اسلامی، ارتقای سطح معرفتی و ایمانی دانشجویان به واسطه ارائه محتوای آموزشی مناسب است. روش تدریس هدایت‌محور به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های روش تدریس فعال، از مؤثرترین روشهای تدریسی است که به عنوان مکمل روش تدریس سخنرانی می‌تواند در تغییر نگرش و تحقق اهداف شناختی و عاطفی دانشجویان در حوزه معارف اسلامی کارساز باشد. حسینی کریمی و ضابط‌پور (۱۳۹۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کیفیت بخشی برنامه درسی، بازنگری و به‌روز کردن محتوا و استفاده از استادان باتجربه و جذب هیئت علمی، برای کاربردی کردن محتوای

دروس معارف اسلامی ضروری است. پژوهش فلاح (۱۳۹۹) نشان داد که مهم‌ترین ابعاد تحول در دروس معارف اسلامی، مربوط به اهداف، محتوا، روش تدریس و فضای آموزشی است و ارتقای اساتید و روزآمدی آنان در روشهای تدریس، یک سو و ایجاد حس شوق و انگیزه فراگیری به واسطه تربیت استادان دانشمند و عامل، سوی دیگر این تحول است. کهریزی و همکاران (۱۳۹۷) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که میزان رضایتمندی و تأثیرگذاری در روش نیازمحور نسبت به استادمحور، به طور معناداری بیشتر بود. خوشی (۱۳۹۲) در اعتبارسنجی اهداف مطلوب انقلاب اسلامی در برنامه درسی دروس معارف اسلامی به این نتیجه رسید که باید تغییرات برنامه درسی معارف اسلامی بر مبنای نیازهای دانشجویان در دوره‌های پنج‌ساله انجام پذیرد و نظرات دانشجویان در محیط یادگیری مد نظر قرار گیرد. نتایج پژوهش آقاجانی قناد و فرزند وخی (۱۳۸۰) نشان داد که سرفصل دروس باید با مسائل اخلاقی، سیاسی و اجتماعی جامعه متناسب باشد و اساتید باید از شیوه آموزش دوطرفه استفاده کنند و بر بعد عاطفی تأکید کنند. نتایج پژوهش الفت (۲۰۲۰) نشان داد تعلیم و تربیت دینی اسلامی، نیازمند تحقیقات تجربی است تا پایه‌های مناسبی برای درک بهتر فرایندهای تربیتی دینی فراهم شود.

به طور کلی انسان به عنوان موجودی چند بعدی دارای نیازها، گرایشها و علایق مختلف علمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فردی است. انتظار می‌رود نظام آموزشی توجه همسنگ و متوازی به همه این ابعاد داشته باشد. تربیت دینی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، زیستی و جسمانی، هنری و زیباشناختی، اقتصادی و در نهایت علمی و فناوری، ساحت‌های مختلف تربیتی‌اند که ضرورت دارد در نظام برنامه درسی به آنها توجه شود. آنچه مسلم است اینکه، تغییرات دفعی متعددی در نظام آموزش عالی اتفاق افتاده است. اغلب این تغییرات، سلیقه‌ای و بدون ارتباط با سایر اجزا و ارکان تصمیم‌گیری و به صورت جزیره‌ای بوده‌اند؛ به همین دلیل، بسیاری از تغییرات فقط در قالب برنامه باقی مانده‌اند. یکی از مهم‌ترین دلایل این مسئله، فاصله بین مهد تصمیم و مهد اجرا و در یک عبارت، فاصله بین وضع موجود با مطلوب بوده است.

پیشنهادها

- در برنامه درسی مصوب و برنامه تفصیلی، به ویژه در برنامه درسی آموزشی توسط مدرّسان دروس، منطق حاکم بر دروس معارف اسلامی در جلسات اول و دوم تدریس

- با تمسک بر منابع معتبر و یافته‌های پژوهشی به صورت آکادمیک و عمیق تبیین شود و از تبیین عرفی و سطحی اجتناب شود.
- در برنامه درسی قصدشده، اهداف دروس معارف اسلامی به مضامین شناسایی شده بر اساس دیدگاه متخصصان و اسناد بالادستی؛ یعنی نقشه جامع علمی کشور، سند دانشگاه اسلامی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به تفکیک در سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی توجه شود و برای تحقق این اهداف، به صورت عملیاتی در برنامه درسی اجرا شده به طرح درس جلسه‌ای و نیم سالانه اهتمام ویژه‌ای ورزیده شود.
 - محتوای برنامه درسی دروس معارف اسلامی مبتنی بر رویکرد چند رشته‌ای و فرا رشته‌ای، انتخاب و سازماندهی شوند. برای مثال، موضوع «جرائم رایانه‌ای» به عنوان یکی از مباحث روز قابل ارائه در درس آیین زندگی (اخلاق کاربردی) در نظر گرفته شود و از منظر علوم مختلف واکاوی شود؛ از منظر علوم دینی، بحث در آمد مشروع و نامشروع، کسب روزی حلال، نظام ارزشی و باورهای افراد و ارتکاب به جرائم رایانه‌ای و پیامدهای اخروی آن بحث شود. از منظر تاریخی بیان شود که این جرائم در چه برهه زمانی بیشتر اتفاق افتاده است یا می‌تواند اتفاق بیفتد یا در میان چه سلسله‌های تاریخی رایج و متداول بوده است. از منظر جغرافیایی بیان شود که در چه مناطقی بیشتر امکان تحقق جرائم رایانه‌ای وجود دارد و زیست بوم جغرافیایی چگونه به این مسئله دامن می‌زند. از لحاظ اقتصادی پیامدهای مختلف آن بر تولید و توزیع عادلانه منابع و درآمد و رابطه رفاه اقتصادی و فقر اقتصادی و ارتکاب به جرائم بحث شود. از لحاظ حقوقی، مواد و مفاد قانونی پیشگیری، کنترل و برخورد با آن بررسی شود. از لحاظ جامعه‌شناسی بیان شود که در چه فرهنگها و ویژه فرهنگهایی این موضوع مورد توجه بوده است. از لحاظ روان‌شناختی، ویژگی‌های شخصیتی افراد مرتکب به جرائم یارانه‌ای بررسی شود. از لحاظ علوم سیاسی، نقش ساختارهای حکومتی و قوانین و مقررات اجتماعی و سیاسی و نوع اقدامات بازدارنده آنها بررسی شود.
 - عناوین و محتوای دروس معارف اسلامی، مسئله محور، فعالیت محور و مبتنی بر حواس چند گانه تعریف شود و به ارتباط عمودی و طولی توجه جدی شود. برای این منظور پیشنهاد می‌شود بین تصمیم‌سازان برنامه درسی دروس معارف اسلامی، وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، جلسات هماهنگی و هم‌اندیشی برگزار شود.

محمد جواد هراتی و همکاران ♦ ۴۰۳

- در برنامه درسی دروس معارف اسلامی از رویکرد تک‌منبعی اجتناب شود و از منابع و مواد آموزشی چندگانه و چند رسانه‌ای استفاده شود.
- برای بهره‌گیری مدرّسان از روشهای فعال تدریس، دوره‌های دانش‌افزایی مستمر در خصوص ۳۲ روش تدریس طراحی و اجرا شود.
- تا حد امکان از به‌کارگیری اساتید مدعو با مدارک تحصیلی پایین‌تر از دکتری اجتناب شود.
- از روشهای تدریس الگویی، محاکمه قضائی، کسب مفهوم، ایفای نقش، مبتنی بر سناریو و حل مسئله استفاده شود.
- در برنامه درسی اجراشده، به فعالیتهای فردی و گروهی درون و برون‌کلاسی توجه شود.
- بر گروه‌بندی دانشجویان بر اساس موضوعات مورد علاقه و سطح توانایی و نیازهای درسی تمرکز شود.
- بر زمان‌بندی ثابت و انعطاف‌پذیر به صورت توأمان توجه شود.
- آموزشهای فرامکانی مورد توجه جدی قرار گیرد (تدارک بازدید از مراکز علمی دینی و مذهبی، دیدار با علما و اندیشمندان دینی و...).
- در زمینه ارزشیابی، بر تهیه جدول مشخصات آزمون و ارزشیابی فرایندی و مبتنی بر کارپوشه علمی تأکید شود و در واقع؛ ارزشیابی این دروس، بخشی از یادگیری و آخرین حلقه یادگیری تلقی شود.
- از مهم‌ترین محدودیتهای پژوهش می‌توان به مشکلات مربوط به هماهنگی انجام مصاحبه و عدم همکاری برخی از مسئولان محترم نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها و همچنین مدیران محترم گروه‌ها برای انجام مصاحبه اشاره کرد.

منابع

- آقاجانی قناد، محمدرضا و جمال فرزند وخی (۱۳۸۰). بررسی تگرش دانشجویان دانشگاه ایلام نسبت به سرفصل دروس معارف اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه ایلام.
- امیدی، محمود؛ حسن نجفی و مهدی سبحانی‌نژاد (۱۳۹۵). «ارزشیابی برنامه درسی دروس عمومی معارف اسلامی دانشگاهها به منظور ارائه راهکارهای کیفیت‌بخش». اندیشه‌های نوین تربیتی، ش ۱۲(۴): ۲۱۷-۲۳۶.
- امینی، محمد؛ حمید رحیمی و زهره صمدیان (۱۳۹۳). «بررسی موانع اثربخشی دروس معارف اسلامی؛ مطالعه موردی دانشگاه علوم پزشکی کاشان». توسعه آموزش در علوم پزشکی، ش ۶(۱۰): ۲۱-۱۳.
- باقری کراچی، امین (۱۴۰۰). «شناسایی قابلیت‌های مورد نیاز دانشگاهها برای کمک به تحقق اهداف گام دوم انقلاب». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۲۵(۸۷): ۳۷۱-۳۸۶.
- حسینی کریمی، سید باقر و غلامرضا ضابط‌پور (۱۳۹۹). «تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر تگرش و انگیزش دینی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل)». پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ش ۲۴(۴۷): ۲۵۵-۲۸۰.
- خوشی، ابوالفضل (۱۳۹۲). «اعتبارسنجی اهداف مطلوب انقلاب اسلامی در برنامه درسی دروس معارف اسلامی (صاحب‌نظران، اساتید، دانشجویان)». پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ش ۲(۶): ۱۹۴-۱۶۹.
- خوشی، ابوالفضل و داوود رنجبران (۱۳۹۶). «سنجش میزان اثربخشی کارگاه آموزشی نیازمحور در ارتقای دانش و مهارت اساتید دروس معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی شهر تهران». راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ش ۱۰(۴): ۳۰۱-۳۱۱.
- خوشی، ابوالفضل؛ حسن ملکی و ابراهیم کلانتری (۱۳۹۲). «طراحی و تبیین اهداف مطلوب انقلاب اسلامی (برنامه درسی دروس معارف اسلامی دانشگاهها)». مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۱۰(۳۲): ۱۱۹-۱۴۶.
- سند دانشگاه اسلامی (۱۳۹۲). اصول حاکم بر دانشگاه اسلامی. تهران: دبیرخانه شورای اسلامی شدن دانشگاهها.
- سهیل سرو، محمد و جعفر هزارجریبی (۱۳۹۹). «تحلیل نسبت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقشه جامع علمی کشور با رهیافت گراند تئوری». راهبرد اجتماعی فرهنگ، ش ۹(۳): ۵-۳۳.
- شفیع‌پور مطلق، فرهاد و حسین خدادادی (۱۳۸۹). «جذابیت بخشیدن به کلاسهای دروس معارف اسلامی». مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی. تهران: نهضت تولید علم و کرسی‌های نظریه‌پردازی. ۲۴۷-۲۵۸.

- عباسی، حسن (۱۳۹۹). «روش تدریس هدایت‌محور؛ پیوست اخلاقی روزآمد برای کارآمدسازی دروس معارف اسلامی در دانشگاهها». پژوهش‌نامه اخلاق، ش ۱۳ (۴۸): ۵۱-۷۴.
- فتحی واجارگاه، کورش؛ غلامرضا یادگارزاده و نعمت‌الله موسی‌پور (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی. تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- فلاح، محمدجواد (۱۳۹۹). «ابعاد تحول‌آفرینی در دروس معارف اسلامی دانشگاهها». نشریه معارف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، ش ۳: ۱-۲.
- فیروزی، رضا (۱۳۹۴). «آسیب‌شناسی دروس و جایگاه استادان معارف اسلامی با توجه به دیدگاه‌های دانشجویان علوم پزشکی ارومیه در دوره‌های دکترای حرفه‌ای». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۱۹ (۶۳): ۱۵۱-۱۷۲.
- قربانی، هاشم و فرشته ابوالحسنی نیارکی (۱۳۹۹). «الگوی مقایسه‌ای: راهکاری کارآمد برای تدریس دروس معارف اسلامی دانشگاهها در ساحت تبیین و دفاع از آموزه‌های اسلامی». تربیت اسلامی، ش ۱۵ (۳۱): ۱۲۷-۱۴۸.
- کهریزی، مهوش؛ مریم جنت‌المکان و رستم جلالی (۱۳۹۷). «بررسی میزان تأثیرگذاری و رضایتمندی تغییر روش تدریس استادمحور به رویکرد نیازمحور در گروه معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۲۲ (۷۶): ۳۲۵-۳۳۶.
- ماهروی، ابوالحسن؛ امیرحسین محمودی، اصغر افتخاری و مهدی محمودی (۱۳۹۷). «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آموزش عالی مبتنی بر نقشه جامع علمی کشور». پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، ش ۸ (۱۷): ۱۴۹-۱۸۴.
- مجیدی، محمدرضا و ابوالقاسم فاتحی (۱۳۸۵). «نگرش دانشجویان نسبت به برنامه‌ریزی درسی دروس معارف اسلامی». پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ش ۳ (۴۱): ۳۷-۵۵.
- محبی، علی (۱۳۹۸). «بررسی عوامل مؤثر بر برنامه‌دستی نهادهای دولتی در اندیشه اسلامی دوره کارشناسی». روان‌شناسی تربیتی، ش ۱۵ (۵۳): ۱-۱۲.
- مریام، شارن بی (۱۳۹۴). تحقیق کیفی (راهنمایی برای طراحی و اجرا). ترجمه نورالله پاشا. تهران: جامعه و فرهنگ.
- معاونت آموزشی دانشگاه تهران (۱۴۰۰). برنامه‌دستی دروس معارف اسلامی. تهران: اداره کل برنامه‌ریزی و نظارت آموزشی دانشگاه تهران.
- ملکی، حسن (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). تهران: پیام اندیشه، چ هجدهم.
- نجفی، حسن؛ مرتضی اکبرپور و محمدحسن محمدی (۱۳۹۶). «شناسایی مدل‌های تربیتی دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه برای کاربرد در طراحی برنامه‌دستی قصدشده معارف اسلامی». سراج منیر، ش ۸ (۲۹): ۱۳۳-۱۶۱.
- یوسفی لویه، مجید (۱۳۷۹). دروس معارف اسلامی، دانشجویان: نگرشها و گرایشها. تهران: دبیرخانه مجمع گروه‌های معارف اسلامی.

- Abbasi, H. (2020). **“Guided teaching method; an up-to-date ethical attachment for the efficiency of Islamic education courses in universities”**. *Ethical Research*, 13(48): 51-74.
- Aghajani Qanad, M.R. & J. Farzand Vakhi (2001). **Examining the attitude of Ilam University students towards the subject of Islamic education courses**. Master's Thesis. Ilam University.
- Akker, J.V.D. (2004). **Curriculum perspectives: An introduction**. Netherlands: The University of Twente.
- Amini, M.; H. Rahimi & Z. Samadian (2014). **“Investigating the barriers to the effectiveness of Islamic education courses, a case study of Kashan University of Medical Sciences”**. *Development of Education in Medical Sciences*, 6(10): 13-21.
- Bagheri Karachi, A. (2021). **“Identifying the capabilities needed by universities to help realize the goals of the second step of the revolution”**. *Epistemological Studies in Islamic University*, 25(87): 371-386.
- Creswell, J.W. & V.L. Plano Clark (2014). **Designing and conducting mixed methods research**. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Fallah, M.J. (2020). **“Dimensions of transformation in Islamic education courses in universities”**. *Journal of Maarif, the Institute of the Supreme Leader in the University*, 3: 1-2.
- Fathi Vajargah, K.; G. Yadgarzadeh & N. Musapour (2013). **Curriculum planning of higher education**. Tehran: Mehraban Kitab Institute.
- Firouzi, R. (2015). **“Pathology of courses and the position of Islamic education professors according to the views of Urmia medical students in professional doctorate courses”**. *Epistemological Studies in Islamic University*, 19(63): 151-172.
- Ghorbani, H. & F. Abolhasani Niarki (2020). **“Comparative model: an efficient method for teaching Islamic education courses in universities in the field of explaining and defending Islamic teachings”**. *Islamic Education*, 15(31): 127-148.
- Hosseini Karimi, S.B & G. Zabetpour (2020). **“The effect of teaching Islamic education courses on students' religious attitude and motivation (case study of Noshirvani University of Technology, Babol)”**. *Researching and writing academic books*, 24(47): 255-280.
- Islamic University Document (2013). **The principles governing the Islamic University**. Tehran: The Secretariat of the Islamic Council of Universities.
- Kahrizi, M; M. Jannet Al Makan & R. Jalali (2019). **“Investigating the effectiveness and satisfaction of changing the teacher-centered teaching method to the needs-centered approach in the Department of Islamic Education from the perspective of the students of Kermanshah University of Medical Sciences”**. *Epistemological studies in Islamic University*, 22(76): 325-336.

- Khushi, A. & D. Ranjbaran (2017). “**Measuring the effectiveness of the needs-based training workshop in improving the knowledge and skills of the professors of Islamic studies courses in Tehran University of Medical Sciences**”. *Education Strategies in Medical Sciences*, 10(4): 301-311.
- Khushi, A. (2013). “**Validation of desirable goals of the Islamic revolution in the curriculum of Islamic education courses (experts, professors, students)**”. *Scientific Quarterly of Islamic Revolution Research*, 2(6): 169-194.
- Khushi, A.; H. Maleki & I. Kalantari (2013). “**Designing and explaining the desirable goals of the Islamic revolution (curriculum of Islamic education courses in universities)**”. *Scientific-Research Quarterly of Islamic Revolution Studies*, 10(32): 119-146.
- Lincoln, Y.S. & E.G. Guba (1985). **Naturalistic Inquiry**. Newbury Park, CA: Sage Publications.
- Mahroui, A.; A.H. Mahmoudi, A. Eftekhari & M. Mahmoudi (2018). “**The sources of soft power of the Islamic Republic of Iran in higher education based on the comprehensive scientific map of the country**”. *Islamic Revolution Cultural Protection*, 8(17): 149-184.
- Majidi, M.R. & A. Fatehi (2006). “**Students' attitude towards the curriculum planning of Islamic education courses**”. *Research and planning of higher education*, 3(41): 37-55.
- Maleki, H. (2015). **Curriculum planning (practice guide)**. Tehran: Payam Andisheh Publications, 18th edition.
- Meriam, S.B. (2015). **Qualitative research (a guide for design and implementation)**. Translated by Nurullah Pasha. Tehran: Society and Culture Publications.
- Mohebbi, A. (2019). “**Investigating the effective factors on the institutionalized curriculum of the undergraduate Islamic thought course**”. *Educational Psychology*, 15(53): 1-12.
- Najafi, H.; M. Akbarpour & M.H. Mohammadi (2017). “**Identifying the educational meanings of the twenty-fifth prayer of Sahifa Sajjadiyeh for use in the design of an intentional Islamic education curriculum**”. *Siraj Munir*, 8(29): 133-161.
- Omid, M.; H. Najafi & M. Sobhaninejad (2016). “**Evaluation of the curriculum of general Islamic education courses in universities in order to provide quality solutions**”. *New Educational Thoughts*, 12(4): 217-236.
- Shafipour mutlaq, F. & H. Khodadadi (2010). “**Making the classes of Islamic education more attractive**”. *A collection of articles of the conference of science production and software movement in the field of Islamic education*. Tehran: science production movement and theorizing chairs, 247-258.
- Sohail Sarv, M. & H. Hazarjaribi (2020). “**Analyzing the ratio of the fundamental transformation document of education and comprehensive**

scientific map of the country with grounded theory approach". *Socio-Cultural Strategy*, 9(3): 5-33.

- Ulfat, F. (2020). "Empirical research: Challenges and impulses for Islamic religious education". *British Journal of Religious Education*, 42(4): 415-423.
- Vice Chancellor of Tehran University (2021). **Curriculum of Islamic education courses**. Tehran: General Department of Educational Planning and Supervision of the University.
- Yousefi Loya, M. (2000). **Islamic Education Courses, Students: Attitudes and Tendencies**. Tehran: Islamic Education Groups Secretariat.

